

نگاهی به سریال های خارجی گانگستری که این روزها پرمخاطب شده‌اند

به رفقای دون کورلئونه سلام کن



هومن جعفری خبرنگار

«چرا مخاطبان شیفته داستان‌های گانگستری هستند؟»

پیش از آنکه به سؤال بالا پاسخ دهیم و حتی قبل از آنکه به سؤال بعدی برسیم که چه شد این روزها سریال‌های مرتبط به خانواده‌های مافیایی، اینقدر با استقبال عامه مواجه شده‌اند، باید ابتدا بدانیم که این خانواده‌ها از کجا آمده‌اند و چگونه به قدرت و ثروت امروزی رسیده‌اند. اگرچه ریشه‌های این خانواده‌ها عمدتاً آروپایی است و از انگلیس تا ایرلند و از ایتالیا تا فرانسه می‌شود ردشان را در تاریخ دنبال نمود اما داستان مدرن‌تر و امروزی آن‌ها از خیابان‌های پرخشونت نیویورک و شیکاگو تا نفوذشان در سیاست و تجارت جهانی امتداد دارد. گانگسترها نه تنها در دنیای واقعی، بلکه در سینما و تلویزیون هم شخصیت‌هایی پرچانه بودند. ضدقهرمانانی جذاب که مرزهای قانون را زیر پا می گذاشتند و قدرت خود را با زور، حيله‌گری و هوش خود تثبیت می‌کردند.

تاریخچهٔ ظهور گانگسترها و تأثیر آن بر سینما و تلویزیون

مافیا در آمریکا به شکل سازمان‌یافته از اوایل قرن بیستم و با مهاجران ایتالیایی شکل گرفت. دوران «منوعیت مصرف مشروبات الکلی» (Prohibition) بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳ فرصتی طلایی برای گروه‌های مافیایی ایجاد کرد تا شبکه‌های قاچاق عظیمی راه‌اندازی کنند و ثروت هنگفتی کسب کنند. همین دوره شاهد قدرت گرفتن خانواده‌های مافیایی «گامبینو، جنووزی، لوجسه، بونانو و کلمبو» بود که به‌عنوان ستون‌های جرایم سازمان‌یافته نیویورک شناخته شدند. نفوذ و قدرت و ثروت آن‌ها تا اندازه‌ای بود که بسیاری از سیاستمداران و افراد پلیس به صورت مخفی به حقوق‌بگیران آن‌ها تبدیل شدند و با گرفتن سهمی از این ثروت، اجازه دادند تا این اوباش با فروش مخفیانه مشروبات الکلی به مردم عادی و حتی طبقات بالاتر جامعه، ثروتی افسانه‌ای و سازمانی غیرقابل شکستن فراهم کنند. به‌تدریج و با توجه بیش از حد رسانه‌های عمومی به این خانواده‌ها، افکار عمومی کاملاً آن‌ها را در ذهن خود به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار پذیرفت.

در همین دوره، فیلم‌های گانگستری اولیه شکل گرفتند:

«سزار کوچک» (۱۹۳۱) - یکی از اولین فیلم‌های معروف گانگستری، درباره جاه‌طلبی یک جنایتکار و سقوط اوست.
ادوارد جی رابینسون با این فیلم و با ایفای یکی از منفی‌ترین شخصیت‌های تاریخ سینما، چنددهه خود را تثبیت کرد.

«صورت‌زخمی» (۱۹۳۲) - فیلمی گانگستری که می گفتند از زندگی آل‌کاپون الهام گرفته شده. این فیلم یک بار دیگر هم با بازی آل‌پاچینو بازسازی شد.

«دشمن مردم» (۱۹۳۱) - روابط پیچیده گانگسترها و پلیس در فیلمی بسیار تماشایی و هنوز هم تحسین‌برانگیز.
جیمز گانگنی با نقشی که در این فیلم بازی کرد، برای دستکم سه دهه در هالیوود تثبیت شد.

تأثیر مجلهٔ «نقاب سیاه»

یکی از عناصری که در ترویج ادبیات جنایی بسیار نقش داشت، مجله «بلک ماسک» یا «نقاب سیاه» بود که در زمانه خود پر فروش‌ترین نشریه داستان‌های کوتاه کارآگاهی به حساب می‌آمد. مجله بلک ماسک در دهه ۱۹۲۰ نقش مهمی در گسترش ادبیات جنایی داشت. نویسندگانی مانند «داشیل همت» و «ریموند چندلر» برای نخستین بار داستان‌های کارآگاهی خود را در این نشریه خلق کردند که بعدها به منبعی برای فیلم‌های نوآر تبدیل شدند که معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از: «شاهین مالت» (۱۹۳۰) -اثر داشیل همت، الهام‌بخش فیلم نوآری به همین نام با بازی همفری بوگارت. «خواب بزرگ» (۱۹۳۹) - اثر ریموند چندلر که در سال ۱۹۴۶ با بازی همفری بوگارت به سینما آمد.

سریال‌های گانگستری و تکامل آن‌ها در تلویزیون

همزمان با تأسیس تلویزیون و نیاز مبرم به صنعت سرگرمی‌سازی، ساخت سریال‌های مختلف نیز آغاز شد. سریال‌های وسترن، جنگی، خانوادگی، و رمانتیک و جنایی در همان سال‌های اول بسیار مورد استقبال مخاطب قرار گرفتند و برای خودشان جایگاه مناسبی را به دست آوردند. بخشی از معروف‌ترین سریال‌های جنایی و گانگستری اولیه را برایتان معرفی می‌کنیم.

تسخیرناپذیران (۱۹۶۳–۱۹۵۹)

این سریال بر اساس زندگی «الیوت نین» مأمور افسانه‌ای اف‌بی‌آی، ساخته شد و مبارزات او علیه مافیای شیکاگو را به تصویر کشید. این مجموعه یکی از اولین سریال‌های تلویزیونی بود که به‌طور جدی به دنیای گانگسترها پرداخت و تأثیر زیادی بر سریال‌های بعدی گذاشت.
همانطور که حتماً می‌دانید، نسخه سینمایی این فیلم نیز چند دهه بعد با حضور غول‌های بازیگری چون کوین کاستنر، شون کاتری و… ساخته شد که هنوز هم تماشایی است.

سی و شش، عدد تکرار نیست

ادامه از صفحه یک

۲ مهمانان خارجی نمایشگاه را جدی بگیرد؛ سال گذشته

این تیر را انتخاب کردیم تا بگویم اگر قرار است نشری حرفه‌ای داشته باشیم یکی از ملزومات آن توجه و تعامل با حوزه بین الملل است؛ حالا این تعامل هم می‌تواند با کشورهای اطراف صورت بپذیرد و هم با کشورهای دورتر. ابتدای همین یادداشت، از اولین دوره نمایشگاه کتاب گفتیم که با وجود سایه جنگ و بمباران، ۱۹۶ ناشر خارجی از ۳۲ کشور حضور داشتند، حالا آمار سال ۶۶ را بگذارید کنار آمار سال ۱۴۰۳ و نمایشگاه‌سی و پنجم. تعداد غرفه‌های حاضر در بخش بین‌الملل نمایشگاه‌سی و پنجم عدد ۲۹ را نشان می‌داد و حدود ۱۰ کشور هم در این غرفه‌ها حضور داشتند. مشکل اینجااست که برخلاف سال ۶۶، نمایشگاه کتاب به عنوان شاهراه دیپلماسی فرهنگی محسوب نمی‌شود؛

منیکس (۱۹۷۵–۱۹۶۷)

سریال درباره یک کارآگاه خصوصی به نام منیکس است که با جنایتکاران و گروه‌های مافیایی درگیر می‌شد. سبک اکشن و شخصیت سرسخت «جو منیکس» باعث شد این سریال به یکی از محبوب‌ترین مجموعه‌های جنایی تبدیل شود. او یکی از کارآگاه‌های سرسخت به حساب می‌آمد که نسخه‌های اولیه‌شان در مجله بلک ماسک به مخاطب معرفی شد. کارآگاه‌های خصوصی چون سم اسپید(شاهین مالت/دشیل همت) و فیلیپ مارلو(خواب بزرگ/ ریموند چندلر) مردانی بودند که باید همزمان با گروه‌های مافیایی، پلیس‌های فاسد و مقامات دولتی زورگو مقابله می‌کردند.

هاوایی صفر پنج (۱۹۸۰–۱۹۶۸)

این سریال پلیسی که در هاوایی جریان داشت، پرورنده‌های جنایی مرتبط با مافیا و قاچاق را بررسی می‌کرد. شخصیت «استیو مک‌گارت» در این مجموعه یکی از نمادهای تلویزیونی شد. نسخه بازسازی شده این سریال چند سال قبل به روی آنتن رفت.

تبهکاران (۱۹۷۸–۱۹۷۶)

سریالی بریتانیایی درباره جنایتکاران شهر بیرمنگام که به دلیل نمایش خشونت و سبک روایی خاص خود، به یک اثر کالت تبدیل شد.

کوجاک (۱۹۷۸–۱۹۷۳)

این سریال با بازی «تلی ساوالاس» در نقش کارآگاه «تودور کوجاک»، به بررسی پرورنده‌های جنایی پیچیده، از جمله فعالیت‌های مافیایی می‌پرداخت.

سریال‌های مدرن‌تر

با گذشت دهه‌های متوالی از تأسیس تلویزیون و جاقفادن این رسانه در دنیا، ساخت برنامه‌های مختلف از جمله سریال‌ها تداوم یافت و طبیعتاً سریال به عنوان بخشی مهم از صنعت سرگرمی‌سازی به حیات خود ادامه داد. سریال‌های گانگستری و مافیایی بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفتند. بخشی از مهم‌ترین سرال‌های یکی دوده ده اخیر صنعت تلویزیون در این حوزه عبارتند از:

سوپرانوها (۲۰۰۷–۱۹۹۹)

یکی از تأثیرگذارترین سریال‌های گانگستری تاریخ که بر پیچیدگی‌های روانی و اجتماعی رهبر یک خانواده مافیایی تمرکز کرد. شاه‌نقش زندگی جیمز گاندولفینی بازیگر فقید سینما با این سریال رقم خورد. یک پدرخوانده مافیایی که به دلیل فشارهای زندگی کاری به یک روانکاو مراجعه می‌کند و همزمان می‌کوشد تا در دنیای خلافکاران دوام بیاورد.

امپراتوری اسکله‌های ساحلی (۲۰۱۴–۲۰۱۰)

بردواک اپنایر با الهام از دوران منوعیت الککل و شخصیت‌های واقعی ساخته شد و نشان داد که چگونه سیاستمداران و گانگسترها برای حفظ قدرت و ثروت همکاری می‌کردند. این سریال دوران منوعیت الککل را به خوبی به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که چطور این تصمیم سختگیرانه میلیون‌ها دلار ثروت را برای سیاستمداران فاسد و گانگستری‌های بی‌پروا به وجود آورد.

پیکي بلاپندرز (۲۰۲۲–۲۰۱۳)

نمایش دنیای جنایتکاران بیرمنگام در دوران پس از جنگ جهانی اول یکی از درخشان‌ترین سریال‌های گانگستری تاریخ را رقم زد. پیکي بلاپندرز آنقدر سریال خوبی شد که هم برای کلین مورفی و هم برای تام هاردی یک امتیاز بزرگ به حساب آمد. داستان خانواده‌ای که بعد از درخشش در جنگ جهانی اول و شجاعت فراوان، به‌تدریج دایره نفوذ و قدرت خود را از بیرمنگام تا لندن و از آنجا تا نیویورک گسترش دادند.

نارکوها (۲۰۱۷–۲۰۱۵)

یک سریال سلفه‌شده تمیز و درخشان درباره کارتل‌های مواد مخدر و ساختار مافیای مدرن. داستان زندگی و مرگ پابلو اسکوبار بزرگ‌ترین قاچاقچی کولکنان کلمبیا که با رویای ریاست‌جمهوری این کشور تلاش کرد وارد سیاست شود اما بعد از درصلاحیت شدن به علت داشتن پرونده جنایی، کشور را تا مرز جنگ داخلی پیش برد و سرانجام در عملیات مشترک بین نیروهای کلمبیایی و آمریکایی کشته شد.

تأثیر فرهنگی و سیاسی گانگسترها بر جوامع

اگر بخواهیم به سؤال اول برگردیم، یعنی اینکه چراپی جذابیت این سریال‌ها برای مردم را بررسی کنیم باید یادمان باشد نفوذ خانواده‌های مافیایی در سیاست و اقتصاد، همان اندازه انکارناپذیر است که تأثیرپذیری رسانه‌ها از این دو عامل یعنی سیاست و اقتصاد. طبیعتاً تأثیرپذیری و اثرگذاری خانواده‌های گانگستری روی این دو حوزه که از طریق رشوه دادن به سیاستمداران و کنترل اتحادیه‌های کارگری رقم می‌خورد، شریان زندگی در جوامع صنعتی را به کنترل آن‌ها درآورد.

منافع آن‌ها برای کنترل اقتصاد بخش‌های مختلف شهرها، ایالت‌ها و حتی کشورها، جنگ‌ها و نبردهای خونینی را رقم زد.

جنگ کاستلآمار (۱۹۳۱–۱۹۳۰) یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های مافیایی بود که باعث شکل‌گیری ساختار مدرن مافیا شد. در ویرانه‌های این جنگ خونین بود که ساختار پنج خانواده‌ای مافیا شکل گرفت و بعد به شکل یک سندیکا درآمد تا از نبردهای مشابه اجتناب شود.

دولت‌های مختلف هم برای مقابله با مافیا بارها و بارها خاصه در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی به مافیا اعلام جنگ دادند. هم ایتالیا، هم آمریکا و حتی کلمبیا در این دهه‌ها صحنه تبادل آتش روزانه گروه‌های گانگستری با یکدیگر با حتی نیروهای امنیتی بودند. قانون ریکو (RICO Act- 1970) دولت آمریکا را قادر ساخت کل سازمان‌های جنایتکار را تحت پیگرد قرار دهد. این قانون در دهه ۱۹۸۰، سبب شد تا اف‌بی‌آی بسیاری از رهبران مافیایی را دستگیر کرد. بزرگ‌ترین دلیل محبوبیت این سریال‌ها نزد مردم این است که هم بر مبنای پرونده‌های واقعی ساخته شده‌اند و هم اینکه داستان آن‌ها هنوز در زندگی روزمره جریان دارد. خانواده‌های مافیایی با قدرت کنترل اقتصاد غیر مخفی و سیاه در زمینه‌هایی چون قاچاق کالا و انسان، تجارت مواد مخدر، الکل، فحشا و جرایم سایبری را در دست دارند و سالانه صدها میلیارد دلار از این راه کسب می‌کنند.

سریال‌های جدید

در سال‌های اخیر سریال‌های جذابی در این حوزه ساخته شده‌اند. به بخشی از آن‌ها اشاره شد. طبیعتاً باید به سریال «برکنگ بد» یا «افسارگسیختگی» و سریال برگرفته از آن یعنی سریال «بهتره با سال تماس بگیری» هم اشاره کرد که در میانه روایت خود به خاندان‌های تبهکاری چون سالامانکا هم اشاره دارند. سریال‌های دیگر چون «فرزندان آتارشی» هم هستند که به روابط گروه‌های موتورسوار و خلافکار می‌پردازند.

سریال‌هایی که در ادامه معرفی می‌شوند آثاری هستند که در یکی دو سال اخیر پخش شده‌اند و داستان هرکدام از آن‌ها به همین موضوعات مربوط می‌شود. داستان خانواده‌های جنایتکاری که برای رسیدن به منافع خود از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند.

سرزمین اوباش

سرزمین اوباش یا ماب‌لند داستان دنیای جرم و جنایت لندن را با تمرکز بر دو خانواده رقیب، یعنی «هریگان‌ها» و «استیونسون‌ها»، روایت می‌کند. این سریال نشان می‌دهد چگونه نسل‌های مختلف گانگسترها برای حفظ قدرت خود وارد درگیری‌های خونین می‌شوند. شخصیت اصلی داستان، «هری دا سوزا» با بازی تام هاردی، «حلال مشکلات» خاندان هریگان، در میان این جنگ گرفتار شده و باید بین وفاداری و بقای خود یکی را انتخاب کند. تام هاردی، پسر برازنان و هلن میرن، در این مجموعه ترکیبی از خشونت بی‌پرده، روابط پیچیده خانوادگی و سیاست‌های دنیای گانگستری را به نمایش کشیده‌اند.

کارگردانی «گای ریچی» - متخصص به نمایش کنشیدن زندگی زیرزمینی لندن - سبک روایی خاص او را به سریال اضافه کرده و شاهد دیالوگ‌های تند، صحنه‌های اکشن نفس‌گیر و تعلیق‌های پرکشش هستیم. فضای سرد و تاریک لندن در این داستان به خوبی حس می‌شود و شخصیت‌ها به‌گونه‌ای پرداخته شده‌اند که هر لحظه ممکن است جناح خود را عوض کنند یا حتی کشته شوند. این سریال نه تنها تصویری واقع‌گرایانه از گانگسترهای امروزی ارائه می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد که چگونه جرم و جنایت در بستر سیاست و اقتصاد رشد کرده و به یکی از ارکان جامعه تبدیل شده‌است. ماب‌لند تجربه‌ای جذاب از دنیای مافیا را به نمایش می‌گذارد که هم برای طرفداران اکشن و هم برای دوستداران درام‌های روان‌شناختی مناسب است.

جنتلمن

«جنتلمن» بر اساس فیلمی به همین نام از «گای ریچی» ساخته شد که سال قبل با بازی متیو مک‌کاناهی اکران شد. فیلم پرمخاطب و منتقد راضی‌کن بود و در کارنامه کاری کارگردان و بازیگران یک اتفاق مثبت به حساب می‌آمد. این سریال داستان «ادی هالستد» را روایت می‌کند که پس از به ارث بردن یک ملک وسیع، به‌طور اتفاقی وارد دنیای قاچاق مواد مخدر می‌شود. او متوجه می‌شود که زیر زمین این ملک یک شبکه مخفی از تولید و توزیع مواد وجود دارد و حالا باید تصمیم بگیرد که وارد این دنیای خطرناک شود یا راهی برای خروج پیدا کند.

حضور تو جیمز، کایا اسکودلاریو و وینی جونز سبب شده تا این سریال ترکیبی از طنز سیاه، اکشن و درام جنایی را داشته باشد که سبک مورد علاقه گای ریچی است. ادی در مسیر خود با گانگسترهای قدرتمند، پلیس‌های فاسد و شخصیت‌هایی با انگیزه‌های مبهم روبه‌رو می‌شود و باید بکوشد تا جان خود را نجات دهد و همزمان از اسرار و رموز موفقیت در مخفی‌ترین وسخت‌ترین تجارت دنیا آگاه شود.

یکی از نقاط قوت این سریال روایت غیر خطی و پیچیده آن است که بین گذشته و حال در حرکت بوده و لایه‌های مختلف داستان را به آرامی آشکار می‌کند. این مجموعه به بررسی قدرت، خیانت، جاه‌طلبی و

روابط انسانی در دنیای جرم و جنایت می‌پردازد و با ترکیب طنز و خشونت، تجربه‌ای متفاوت از سریال‌های گانگستری را ارائه می‌دهد.

پنگوئن

پس از موفقیت فیلم «بتمن» در سال ۲۰۲۲ به کارگردانی مت ریوز، سریال «پنگوئن» روی زندگی «آزوالد کابلیات»، معروف به پنگوئن تمرکز دارد. پس از سیل بزرگ گاتهام، او تلاش می‌کند تا از هرج‌ومرج ایجاد شده به نفع خود استفاده کرده و امپراتوری جنایی‌اش را گسترش دهد. اما تهدیدهای جدیدی از سوی سایر گروه‌های جنایتکار و دشمنان قدیمی او ظهور می‌کنند و او باید برای زنده ماندن مبارزه کند. «کالین فارل» در فیلم و در نقش پنگوئن آنقدر درخشید که مت ریوز را متقاعد کرد زندگی او را به یک سریال تبدیل کند. «پنگوئن» فضای تاریک و نوآر دنیای گاتهام را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که چگونه قدرت، فساد و خشونت می‌توانند مسیر یک فرد را تغییر دهند. این سریال بیشتر از آنکه بر اکشن تمرکز داشته باشد، به توسعه شخصیت‌ها و روابط پیچیده آن‌ها می‌پردازد. بینندگان شاهد ظهور «آزوالد» از یک فرد کم‌اهمیت به یکی از بزرگ‌ترین رهبران جنایی شهر خواهند بود. فضای بصری سریال، موسیقی و فیلم‌برداری دقیق آن باعث شده که حس داستان‌های نوآر دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ را به مخاطب منتقل کند. این سریال نشان می‌دهد که بر خلاف قهرمانان کلاسیک، ضدقهرمان‌ها هم می‌توانند جذاب باشند، مخصوصاً زمانی که قوانین خودشان را در دنیای جرم ایجاد کنند. این سریال یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات دنیای مجموعه‌های تلویزیونی در سال ۲۰۲۴ را رقم زد و یکی از بهترین سریال‌های گانگستری را به مخاطبان تقدیم نمود. سریالی پیرامون خانواده‌های مافیایی ایتالیایی‌تبار که در گاتهام آشوبزده مشغول تلاش برای حفظ و توسعه قدرت خویشند.

گریسلدا

این سریال بر اساس زندگی «گریسلدا بلانکو»، یکی از قدرتمندترین قاچاقچیان مواد مخدر در تاریخ، ساخته شده است. او در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ توانست با روش‌های بی‌رحمانه، تجارت کولکنان را تحت کنترل خود بگیرد و در دنیای مردانه جرم و جنایت به قدرت برسد. «سوفیا ورگارا» را بیشتر با نقش کمدی‌اش در سریال خانواده مدرن می‌شناسیم اما او در «گریسلدا» اوج بازیگری خود را به نمایش می‌کشد. این مجموعه ترکیبی از درام جنایی، بیوگرافی و اکشن است که زندگی پر تنش و خطرناک این زن را به تصویر می‌کشد. زنی که برای فرار از فقر، وارد دنیای قاچاق شد و با خشونت و سرسختی و بی‌رحمی به یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های این تجارت تبدیل شد. این سریال نشان می‌دهد که چگونه شخصیتی باهوش و بی‌رحم می‌تواند سیستم را به نفع خود تغییر دهد، اما در نهایت قربانی همان قدرتی می‌شود که ایجاد کرده است. روایت «گریسلدا» به خوبی توانسته است بخش‌های مختلف زندگی او، از دوران کودکی تا تبدیل شدن به «ملکه کولکنان» را پوشش دهد. فضای بصری، موسیقی و انتخاب بازیگران همگی با دقت طراحی شده‌اند تا حس تنش، خطر و جابطلبی را در داستان به نمایش بگذارند. این سریال نه تنها جنبه‌های واقعی قاچاق مواد را نشان می‌دهد، بلکه بررسی می‌کند چگونه قدرت و خشونت می‌توانند مسیر یک فرد را تغییر دهند.

گانگسترهای لندن

یکی از بهترین سریال‌های سال‌های اخیر، مجموعه فعلاً سه فصلی گانگسترهای لندن است. سریالی که فصل سومش ماه گذشته به پایان رسید و نوید یک فصل خونین دیگر را داد. برای درک دنیای خلافکاری مدرن و سازمان‌یافته امروز لندن، این سریال واقعاً نقش یک تور آموزشی را ایفا می‌کند و به خوبی به شما خانواده‌های مختلف و ملیت‌هایشان را نشان می‌دهد. این سریال داستان خانواده «والاس» را روایت می‌کند که سال‌ها بر دنیای جرم و جنایت لندن حکومت کرده‌اند. پس از ترور «فین والاس» پسرش «شان» تلاش می‌کند تا قاتل پدرش را پیدا کند، اما در این مسیر با دشمنان جدیدی روبه‌رو می‌شود. در همین حال، «الیوت فینچ»، یک پلیس مخفی جاه‌طلب به سرعت در میان گانگسترها رشد می‌کند و رازهای خطرناکی را کشف می‌کند. «گنگ‌های لندن» با صحنه‌های اکشن خیره‌کننده، خشونت بی‌پرده و داستانی پر تنش، یکی از بهترین آثار گانگستری سال‌های اخیر محسوب می‌شود. فضای سرد و خشن لندن، درگیری‌های قدرت بین گروه‌های مختلف و شخصیت‌هایی با انگیزه‌های پیچیده، این سریال را از سایر آثار مشابه متمایز کرده است. فیلم‌برداری فوق‌العاده صحنه‌های مبارزه به‌شدت واقع‌گرایانه و پر تنش هستند. این مجموعه نه تنها داستانی جذاب از خیانت و انتقام را روایت می‌کند، بلکه ساختار و سیاست‌های دنیای مافیا را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. این مجموعه را گرت ایوانز ساخته که با دو فیلم اکشن خونین اندونزیایی تحت عنوان یورش یک و دو برای طرفداران فیلم‌های اکشن رزمی بسیار شناخته شده است. او که در این دو فیلم و کارهای دیگر نشان داده در نمایش نبردهای تن به تن بسیار مهارت دارد، از این تکنیک برای سریال گانگسترهای لندن و همچنین فیلم آخرش با بازی تام هاردی یعنی فساد (۲۰۲۵) به خوبی بهره برده است.

این‌ها تنها گوشه‌ای از موفق‌ترین سریال‌های مرتبط با چهره‌ها و خانواده‌های مافیایی هستند و می‌شود به نمونه‌های دیگری نیز اشاره کرد.

این ترتیب نمایشگاه سسی و ششم می‌شود اولین از موزن جدی وزارت

ارشاد دولت چهاردهم. اگر قرار باش، تمام نکات امتحانی مرتبط با نمایشگاه را برای برگزارکنندگان لیست کنیم، حتماً این یادداشت مجال گفتن حق مطلب را نخواهد داشت. اما در این میان نباید یک مسئله مهم را فراموش کرد؛ مردمی بودن یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد نمایشگاه کتاب است؛ مخاطب عمومی می‌کند که علم توجّه به آن ضرر نزننده خواهد بود. محلی که مخاطب همیشگی کتاب خودش را در برابر ناشرانی می‌بیند که یک سال با کتاب‌هایشان مراده داشته است و نویسندگانی را می‌بیند که با نوشته و روایت‌هایشان زندگی کرده. نباید به سادگی از کنار این موارد دوست‌داشتنی گذشت. برای همین است که هر سال به اردیبهشت که می‌رسیم زمه‌زه از همه‌جا شنیده می‌شود که کتاب مهم است و نمایشگاه کتاب مهم‌تر.



سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۴۰۴



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

